

# علی (ع) و کتابت قرآن

○ دکتر محمد مهدی هراتی  
عضو فرهنگستان هنر

حدیث صحبت «خوبان و جام باده» بگو  
به قول حافظ و فتوای «پیر صاحب فن»

امروزه برگ‌های فراوانی از کتابت‌های قرآنی حضرت مولی‌الموحدين و امام‌المتقين علی‌بن ابیطالب علیه‌السلام را در کتابخانه‌های مختلف بلاد اسلامی و نیز در موزه‌های هنرهای قدسی روضه حیدریه نجف اشرف و آستان قدس رضوی و نیز در موزه ایران باستان و کاخ گلستان می‌توان زیارت کرد. اوراق عزیزی که هر ورقش حاصل کرامات ازلی آن «قلم وقوف» است.

بدون هیچ تردیدی، «قلم وقوف» آن حضرت، همان «قلم معجزنگار» است که ابواب شهر علم را بر همگان گشود و کلام وحی الهی را نه بر پوست آهو، بلکه بر پوست<sup>۱</sup> دل نگاشت، همچنان‌که انگیزه اصلی این نخستین نگارش جامع وحی، وصیت اکید حضرت پیامبر (ص) بود و تکلیف و مسؤولیتی عظیم بر مولود کعبه، که در الفهرست و تفسیر علی‌بن ابراهیم و نیز در تاریخ القرآن زنجانی از آن حدیث و وصیت یاد شده است: «ان رسول‌الله (ص) قال لعلی (ع): یا علی القرآن خلف فراشی فی الصحف و الحریر و القراطیس، فخذوه و اجمعوه ولا تضیعوه کما ضیع الیهود التوریه فانطلق علی فجمعه فی ثوب اصفر ثم ختم علیه فی بیته و قال لارتدی حتی اجمعه فان کان الرجل لیاتیه فیخرج الیه بغير رداء حتی جمعه»<sup>۲</sup>

ترجمه: ای علی، قرآن در پشت رختخواب من در صحیفه‌ها و حریر و کاغذها، نوشته شده آنها را بگیر و همه را گرد کن و مبادا، چنان‌که یهود تورات را ضایع گذاشتند شما نیز قرآن را ضایع گذارید و علی علیه‌السلام



بنا بر وصیت قسم یاد کرد که عبا به دوش نیفکند مگر برای نماز تا این که قرآن را جمع‌آوری کند و چنان کرد و آن اول مصحفی بود که جمع‌آوری شد.<sup>۱۰</sup> در حقیقت این حدیث شریف، چگونگی ترتیب و تنظیم آیات سبحانی را، از لسان صدق امین وحی و صاحب سر معراج، به «قلم صدق علی علیه‌السلام» در کمال امانت، بیان می‌کند و خود سندی ماندگار از نخستین مرحله کتابت مصحف جمال در قلمرو هستی است که بارها توسط بزرگان هنر کتابت در طول تاریخ بازگو شده است که در اینجا برای نمونه از اشاره مولانا مجنون هروی<sup>۱۱</sup> در آداب المشق خطی خویش، سخن می‌رود:

اول که ز جمله بر سر آمد  
شد بر همه، چون الف سر آمد  
سرو ارم، ولی والی  
دریای کرم، علی عالی  
گر خامه، نه بر ورق نهادی  
ترتیب کلام حق که دادی؟

در رساله خطی سید یوسف<sup>۱۲</sup> با قوت بیشتری از این «فراز» یاد شده است:

نبی‌الله «شهرعلم» گشته  
«علی بابها» را در نبشته  
نخست از باب و بواب است کارم  
پس آنکه شهر علم شهر یارم  
«لیذهب عنکم الرجس»<sup>۱۳</sup> اند ایشان  
«و یطهرکم تطهیراً»<sup>۱۴</sup> اندایشان  
چو در حق «یطعمون»<sup>۱۵</sup> حق کرد مذکور  
همش در «سعیکم»<sup>۱۶</sup> گفته است مشکور<sup>۱۷</sup>  
علی بد، واقف تورات و انجیل  
علی بد، کاشف اسرار تنزیل  
زبورش، با صُحف مصروف بوده  
همه اسرار حق، مکشوف بوده  
چو تیغ «عاد من عاده»<sup>۱۸</sup> رانده  
سر آن خصم را سرها فکنده  
به چتر «وال من والاه»<sup>۱۹</sup> آرد  
محبان را به زیر سایه دارد؛  
ز او «اخذل من خذل»<sup>۲۰</sup> مخذول خصمان  
به او «انصر من نصر»<sup>۲۱</sup> مقبول یاران  
کجا اجماع خلقان تاب آرد  
جز این، ور زان نبی این باب دارد:

علی در شهر علمش بود محرم  
«علی بابها» زان کرد محکم؛  
به شهر اندر، کس آید محرم آید  
چو محرم نیست کس، زان کس گراید؛  
«صراط» و «باب» و «شهر» اینست ای یار  
جز این ره گر روی، خوف است و پر مار!

همین استاد هنرمند درخصوص تعلیم «اعراب» به ابوالاسود دوئلی، اشاره‌ای جانانه دارد:

بگفتا، یا علی، اعراب باید  
که باغ خشک دین را، آب باید

ندارد جز تو، کس این کشف‌ها را  
کند «اعراب» زینت حرفها را  
چو محرم بود و هم دانای اسرار  
معرب کرد قرآن را به یکبار  
«همش» از وقف مطلق کرد و آیات  
چنین شد استماع، اندر روایات

و نیز در الوسیط و الفهرست و برخی کتب دیگر مطالبی درخصوص چگونگی شکل‌گیری اعراب و نقطه و ارشادهای حضرت علی علیه‌السلام دیده می‌شود که خلاصه بعضی از آنها را در اینجا می‌آورم:

«ابوالاسود دوئلی از بزرگان تابعین و از ملازمین حضرت علی علیه‌السلام و شاگرد آن حضرت در علم نحو و از مردان «کامل رای و خردمند» بود که چگونگی ضرورت استفاده از علائمی را برای جلوگیری از اشتباه در تلفظ آیات به‌خصوص در سرزمین‌های غیر عرب، استفسار کرد و آن حضرت پس از آموزش «باب‌هایی» در علم نحو به ایشان فرمود: «انبح هذا النحو یا ابوالاسود...» و بدین ترتیب، ابوالاسود دوئلی علم نحو را از حضرت علی آموخت و خود به‌وضع باب‌های دیگری در نحو پرداخت و به قاریان آیات آن را آموخت» گفتنی است که علائم مورد بحث به‌صورت دوایری با رنگی غیر از رنگ کتابت آیات گذاشته می‌شد که خود قرائت و یادگیری کلام حق را آسان‌تر نمود. محمدبن اسحاق در صفحات ۶۶ و ۶۷ الفهرست خویش در این خصوص می‌نویسد: «ابوالاسود دوئلی علم نحو را از حضرت علی علیه‌السلام فرا گرفت و «خود» چهار برگ از آن علائم را که به‌خط یحیی بن یعمر از شاگردان ابوالاسود است شخصاً دیده است.

صاحب الفهرست سپس به شرح آن علائم به نقل از ابوالاسود خطاب به کتاب و قاری قرآن پرداخته و می‌نویسد: «چون دیدی دهانم را بر حرفی گشودم یک نقطه روی آن حرف بگذار، و چون دیدی دهانم را بستم یک نقطه جلو آن بگذار و اگر کسره دادم نقطه‌ای زیر آن حرف قرار ده. از آن پس اینها را نقطه‌های ابوالاسودی نامیدند.» نگارنده این سطور در همین جا یادآور می‌شود که علائم یاد شده، به شکل نقطه‌هایی کاملاً مدور با رنگ‌های قرمز شجره‌ای بوده است که کاربرد دوایر و رنگ قرمز، کنایه از حرکت و شکل لب‌ها و دهان قاری در حین تلفظ است و یقیناً از کمال و ظرافت «ارشادهای» حضرت علی علیه‌السلام نشان دارد.

### قسمتی از کتابت کوفی همراه با علائم

از حضرت علی علیه‌السلام درخصوص چگونگی کتابت آیات و سطر بندی آنها و اندازه قلم کتابت و استفاده از لایقه و تراش قلم و حفظ اصول زیبانویسی، احادیثی ارجمند باقی است که سطور این مسوده ناچیز را به آنها برکت و شرافت می‌بخشیم:

در کتاب نفایس الفنون<sup>۲۲</sup> آمده است که حضرتش به وقت تعلیم به عبدالله عباس فرموده است:

«یا عبدالله، وسع مابین السطور و اجمع مابین الحروف و ارع المنابسته فی صورها و اعط کل حرف

حقیها.»

ترجمه: ای عبدالله، میان سطرها را باز و گشاده دار و حروف را نزدیک هم و گرد هم بیاور و در تشکیل حروف، مناسبت هر یک و شکل آنها را رعایت کن و حق هر کلمه حرف را چنان که باید ادا نما.

که در این حدیث به چگونگی سطر بندی و فواصل حروف و شکل و مناسبت و جایگاه هر یک در تشکیل سطر، و اینکه هر یک از حروف هویت و حقی شایسته دارند که کاتب باید در کتابت هر یک، کمال دقت و تلاش را مبذول دارد و این «سعی» او، نوعی اداء دین کاتب نسبت به حروف و کلمات وحی است اشاراتی دقیق و آگاهانه دارد.

در کتاب تحفة اولی‌الالباب<sup>۲۳</sup>، تألیف و خط «ابن صانع» درخصوص زیبانویسی و قط قلم و رعایت سایر اصول کتابتی، این حدیث، راهگشای کاتب است:

«عن علی بن ابیطالب کرم الله وجهه:

انه قال لرجل راه قبیح الخط، اطل جلفة قلمک و اسمنها و حرف قطکتک و ایمنها و اسمتها و اعدل اقسامک و اقم الفک و لامک فهذه الوصیه تضمنت اصول الكتابة.»

این حدیث خطاب آن حضرت است به مردی که بد می‌نوشت و فرمود: [برای تحسین و خوب کردن خط] زبان قلمت را دراز و فربه و قط قلم را محرف و مایل به راست، و اجزای حروف و کلمات را به اعتدال، قرینه‌ی هم قرار بده و لام را راست، بالا کن و این سفارش اصول کتابت است. و صاحب گلستان هنر به نقل از رساله استاد بزرگ کتابت قرآن عبدالله صیرفی<sup>۲۴</sup> از حدیثی دیگر در این مقوله یاد کرده است:

«اطل جلفة القلم و اسمنها و احرف القط و ایمنها فان سمعت صلیلاً کصیل المشرقی و الا فعد لقطه.»  
نوک قلم را دراز تراش و فربه بگذار و قط قلم محرف و متمایل به راست بزن که [چون قلم بر کاغذ نهی] آواز کند مثل شمشیر مشرفی و گرنه قط را اعاده نما.

در صفحه‌ای از نهج‌البلاغه چاپ فیض اسلام<sup>۲۵</sup> حدیثی از آن حضرت نقل شده که حاوی نکاتی دیگر در زمینه تراش قلم و استفاده از لایقه و رعایت فاصله بین سطور و حروف است:

و قال علی علیه‌السلام لکاتبه عبدالله بن ابی رافع: الق دواتک و اطل جلفة قلمک و فرج بین السطور و قرمط بین الحروف فان ذالک اجدر بصباحة الخط.

علی علیه‌السلام به کاتبش عبدالله بن ابورافع فرمود: دوات را لایقه کن و نوک قلم را دراز تراش مابین سطور فاصله بگذار و حروف را به هم فشرده کن که این برای زیبایی خط بهتر است.

در صفحه ۵ تاریخ القرآن زنجانی ترجمه سحاب آمده است: حضرت امیرالمؤمنین (ع) در زمان خود از نوشتن قرآن بر صفحات کوچک منع می‌فرمود و این مطلب را سیوطی و سجستانی و ابن‌الندیم نیز تأکید کرده‌اند. ابوحلیمه گفت من به کتابت مصاحف اشتغال داشتم علی بن ابیطالب «رضی‌الله عنه» بر من گذشت و فرمود: اجمل قلمک.

و اعجاب مولانا کمال الدین جعفر بایسنقری، استاد بزرگ مکتب هرات و رئیس پروژه هنری شاهنامه بایسنقری (اواسط قرن نهم هجری) را پایان بخش این جستار می‌کنیم و به درگاه حضرتش دست نیاز و اعتذار دراز می‌کنیم:

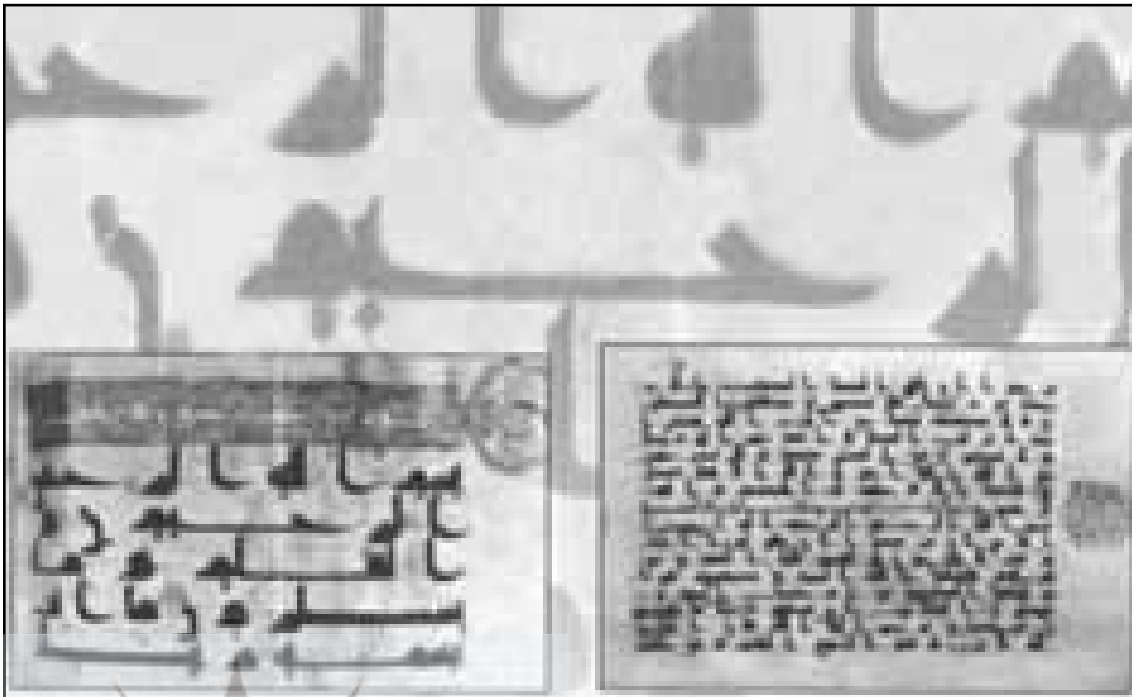
جعفر بایسنقری در رساله خطی خود درباره خط آن حضرت می‌نویسد: «تا نوبت به حضرت امیرالمؤمنین و امام‌المتقین و یعسوب‌الدین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام رسید و آن حضرت آن خط را به مرتبه‌ای رساند که هیچ آفریده بهتر از او و مقابل او ننوشت چه قبل از او و چه بعد از او. و این چنین است که ارقام و اقلام هنرآفرین و معجزه نظام شاه ولایت، چنان چشم جان عشاق روشن ضمیر را به «کتابت وحی» منور فرمود که استادان کتابت آن را پسند علم خط نام نهند:

سند علم به حسن عمل  
بس بود مرتضی علی زاول

و سلطانعلی مشهدی در رساله صراط السطور خود گفته است:

خط که فرموده است نصف‌العلم  
سرور انبیاء به علم و حلم  
آن خط مرتضی علی بودست  
زان نبی، نصف‌العلم فرمودست

و قاضی احمد منشی قمی در گلستان هنر در این باره گفته است:  
کردی اکثر کتابت مصحف



آیات پایانی سوره مبارکه القصص، بسمله و آغاز سوره مبارکه العنکبوت (آیات نخست تا پنجم در صفحه‌ای از قرآن به خط کوفی ساده اعراب و اعجام و تذهیب الحاقی. موزه گنجینه قرآن و تفاسیر استان قدس رضوی)

صفحه‌ای از مصحف شریف که رقم کتبه علی بن ابی‌طالب دارد. بسمله و سوره مبارکه «القلم» با اعراب و اعجام و تذهیب الحاقی در قرون بعد. موزه ایران باستان

و بالاخره در مورد چگونگی کیفیت کتابت‌های کوفی آن حضرت بسیار نوشته‌اند که در اینجا باور تحسین

پس سر قلم خود را اندکی برگزفتم و درشت‌تر نوشتم. فرمود: چنین به قرآن روشنی ده، چنانکه خدا به آن روشنی داده است.<sup>۱۹</sup>

در رساله خطی مدادالخطوط میر علی هروی حدیث: من کتب بسم‌الله الرحمن الرحیم بحسن الخط دخل الجنة بغیر حساب به حضرت علی علیه‌السلام منسوب شده است.

و در تفسیر صافی «در سوره فاتحة‌الکتاب» چنین آمده است.

و عن امیرالمؤمنین علیه‌السلام ان رسول الله صلی‌الله علیه وآله، حدثنی عن الله عزوجل انه قال کل امردی بال لم یذقیه بسم‌الله الرحمن الرحیم فهو ابتر. از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام مأثور است که پیامبر خدا صلی‌الله علیه وآله فرمود: هر کاری که در آن نام خدا برده نشود آن نافرجام و بی‌نتیجه می‌ماند.<sup>۲۰</sup>

صاحب رساله سید یوسف در باب چگونگی تجلید قرآن «ارشاد و هدایت آن حضرت را» در پدید آمدن هنر جلدسازی «اصل و منشاء» دانسته و می‌گوید:

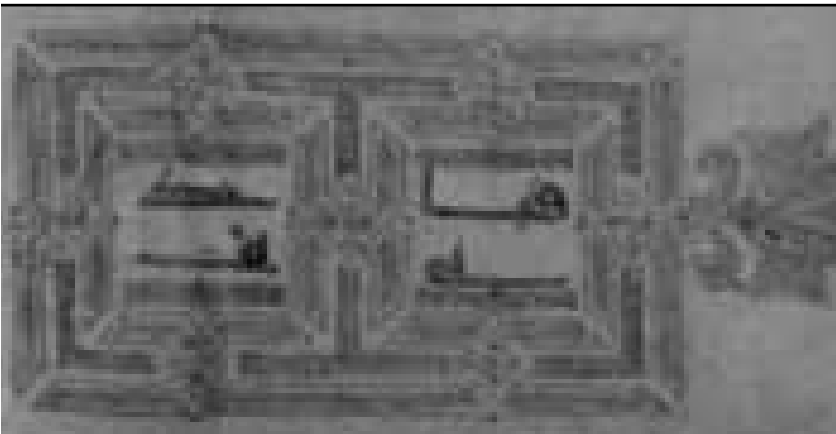
بر آن بانی، امامم حیدر آمد  
که در سرش. ندا از حی در آمد  
از آن تجلید قرآن، مرتضی کرد  
همه فعلش به قول مصطفی کرد

در غررالحکم، کاتب را از هر گونه غرور و خودپسندی برحذر داشته و می‌فرماید:

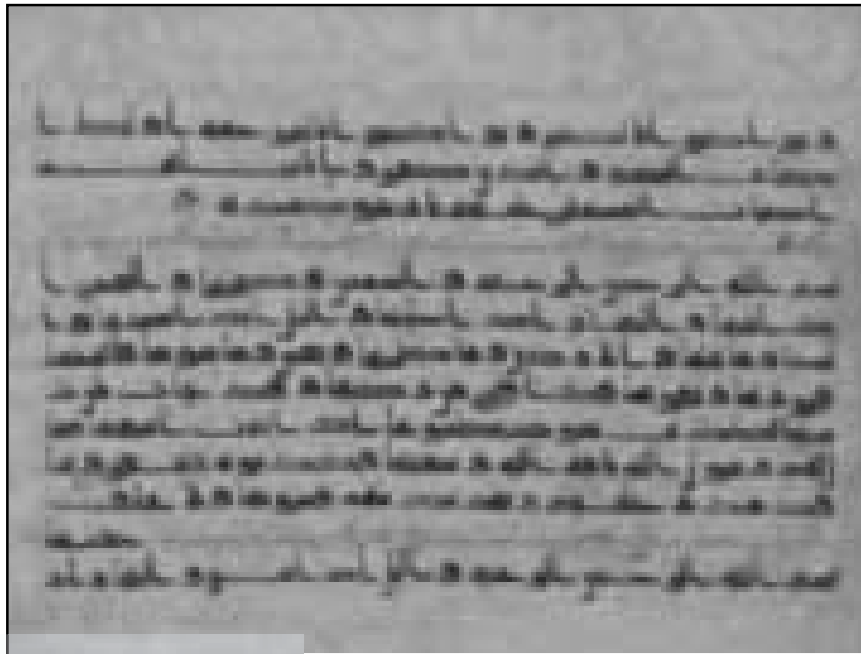
الأعجاب یمنع الازیاد و العجب یوجب العثار.

کتاب ماه هنر / فروردین / اردیبهشت ۱۳۸۰ ۵۴

برگی از مصحف شریف به خط کوفی قرن اول بدون اعراب و اعجام بر روی پوست و به قطع بیاض با رقم معجز قلم شمسه آل عبا (ع) «کتبه و ذهبه علی بن ابیطالب سبع هجریه» که خبر از کتابت قرآن در تاریخ هفتمین سال هجرت نبوی می‌دهد.



▲ آیات پایانی سوره مبارکه البلد به همراه سوره مبارک الشمس و آغاز سوره مبارکه الليل در یک صفحه از کتابت ۱۳ سطری به خط کوفی قرن اول هجری بر روی پوست اهو منسوب به حضرت علی علیه السلام



۱۳- اشاره به آیه ۶۸ سوره مبارکه انبیاء مبنی بر طلب اجازه و فرمان فرشتگان از حضرت حق برای یاری رسانیدن به حضرت ابراهیم(ع)

«قالو احرقوه و الضروا الهتکم ان کنتم فاعلین»

۱۴- نقایس الفنون فی عرایس العیون. یکی از جامع‌ترین کتب دایرةالمعارف ادب و هنر فارسی است که در عصر الجایتو و پسرش ابوسعید توسط شمس‌الدین محمدبن محمود املی از دانشمندان و دانایان سده هشتم هجری قمری تألیف شده. یک نسخه خطی شناخته شده از این اثر در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود که در تاریخ ۸۰۹ هجری کتابت شده است.

۱۵- تحفه اولی‌الالباب فی صناعة الخط و الکتاب: رساله‌ای خطی در هنرهای کتابت و خوشنویسی که توسط عبدالرحمن بن یوسف بن صانع (متوفای ۸۴۵ هجری قمری) نوشته شده و در سال ۱۹۶۷ میلادی به اهتمام هلال ناجی در کشور تونس به چاپ رسیده است.

۱۶- رساله آداب خط عبدالله صیرفی کاتب فاضل و هنرمند قرآن و استاد بی‌بدیل و توانای خوشنویسی که در عهد سلطان محمد خدابنده می‌زیسته و از اساتید بزرگ کتبه‌نویسان و کاشی‌تراشان و جلی‌نویسان تاریخ خط و کتابت ایرانی دنیای اسلام است که تاریخ فوت او را ۷۴۴ هجری قمری ذکر کرده‌اند، در کتابخانه استان قدس رضوی مشهد، نسخه‌ی خطی آداب خط نگهداری می‌شود.

۱۷- مشرفی منسوب به «مشارف یمن» و آن قریه‌ای بوده با مردمی که در ساخت شمشیرهای نازک و برنده، استادای و مهارتی خارق‌العاده داشته‌اند و شمشیرهای مشرفی را در نهایت خوبی و لطافت می‌ساخته‌اند که به هرچه می‌زدند آن را نصف می‌کرد و اگر در اطراف سر حرکت می‌دادند از غایت نازکی آوازی از آن می‌شنیدند که در نتیجه اصابت آن با هوا حاصل می‌شد.

۱۸- ر. ک: نهج‌البلاغه چاپ فیض الاسلام، جزء ششم، جمله «۳۰۷».

۱۹- تاریخ الخط و آدابه. ص ۴۳۷

۲۰- مرحوم فضائی - حبیب الله. تعلیم خط. ناشر

سروش. ص ۴۱۴

دولتی مدارس هند به‌نام رساله منظوم سید یوسف خبر دادند. سید یوسف از شیعیان هند

است که علاوه بر آگاهی از صحافی سنتی و تجلید و قلمدان‌سازی از ذوق ادبی هم بهره داشته است.

۵ و ۶- اشاره به آیه تطهیر در سوره مبارکه الاحزاب، بخشی از آیه ۳۲: «و اطعن الله و رسوله انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً» - در روایات صحیحه وارد شده که این آیه در شأن حضرت امیرمؤمنان علی علیه‌السلام و حضرت فاطمه و حسنین علیهم‌السلام نازل شده در حالتی که حضرت رسول(ص) ایشان را با خود در زیر عبا همراه گردانیده بود.

۷- اشاره به آیه مبارکه: «ویطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً» آیه ۷ سوره مبارکه الدهر.

و این روایت مفسران خاص و عام مبنی بر نزول سوره مبارکه الدهر در حق اهل بیت بر طبق روایت کشاف و دیگران.

۸ و ۹- اشاره به آیه ۲۱ از سوره مبارکه الدهر: «ان هذا کان لکم جزء و کان سعیمکم مشکوراً»

و وفای به نذر حضرت امیرمؤمنان علی علیه‌السلام و حضرت فاطمه علیها‌السلام مبنی بر سه روز روزه برای شفا‌ی حسنین و اتفاق قرص نان، افطار به مسکین و یتیم و اسیر فقط برای رضای خداوند و نزول این سوره در تهیت الهی به‌وسیله‌ی جبرئیل امین.

۱۰- اشاره به آیه ۲۷۳ سوره مبارکه البقره و نزول آنها در شأن حضرت امیرمؤمنان و اتفاق ایشان در روز و شب و پنهان و آشکار:

الذین ینفقون اموالهم باللیل و النهار سراً و علانیه فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون.

۱۱- اشاره به آیه دهم از سوره مبارکه الرعد: له معقبات من بین یدیه و من خلفه یحفظونه من امرالله ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتغیر و اما بانفسهم و اذا اراد الله بقوم سوء فلا مرد له و ما لهم من دونه من وال.

۱۲- اشاره‌ای به آیه ۲۱ از سوره مبارکه بنی‌اسرائیل: لاتجعل مع الله الها اخر فتتعد مذموماً مخذولاً.

خط از آن یافت اسم و عز و شرف آنچنان، خط کجاست حد بشر قلم دیگر است و خط دگر قلم پاک کن رفیع جناب خورده از جویبار جنت آب

آری این چنین است که «قلم پاک» و «قلم صدق» و «قلم وقوف» آن امام بر حق چنان شورآفرینی دارد که: نفس آرزو کند که تو لب بر لبش نهی بعد از هزار سال که از خاکش سیو کنند من الله توفیق

#### پاورقی:

۱- پوست دل: صرفنظر از معانی باطنی، اشاره‌ای هم به پوست تهیه شده از آهوی تودلی دارد که در نهایت نازکی و لطافت تهیه و دباغت می‌شده است.

۲- متن عربی از تفسیر علی‌بن ابراهیم نقل شده است.

۳- احمد مجنون رفیقی هروی فرزند مولانا محمود رفیقی هروی از استادان خوشنویسی اواخر سده نهم هجری قمری است. شیعه مذهب بود و در مشهد می‌زیست. از طبعی فصیح و دستی قوی در کتابت انواع خطوط بی‌بدیل و استادانه برخوردار بود. او را مجنون چپ‌نویس هم گفته‌اند که خط باژگونه نیز از اختراعات اوست. از این هنرمند سخت‌کوش و فاضل، نسخ خطی رساله‌های: رسم‌الخط، سوادالخط و آداب المشق در قواعد منظوم خط و کتابت و تهیه رنگ‌ها و مرکب به ترتیب در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه ملی ملک نگاهداری می‌شود.

۴- نخستین بار دکتر ایرج افشار، در فرهنگ ایران زمین و بعد در مجموعه مقالات صحافی سنتی، از وجود رساله‌ای منظوم به زبان فارسی خبر داد که در کتابخانه